

نگاهی به مسأله‌ی فقهی «کتب ضلال» و رابطه‌ی آن با نشریات

محمد سرشار
دانشجوی کارشناسی ارشد
معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم‌شناسی

واژه‌های کلیدی:

کتب ضلال (ضاله)، نشریات، فقه امامیه،
حقوق مطبوعات، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

یکی از دغدغه‌های همیشگی مسلمانان، تطبیق اسلام با مقتضیات زمان بوده است. آنچنان که در این باب سخن‌ها گفته شده و کتاب‌ها نوشته شده است.

پیدایش و گسترش قالب «نشریات» به عنوان یکی از پدیده‌های نسبتاً جدید دنیای امروز در مقیاس تمدنی، این ضرورت را ایجاد کرده است که با تاسیس یک گرایش حقوقی با عنوان «حقوق مطبوعات»، ابعاد حقوقی و قانونی آن مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد و بالطبع، یکی از دغدغه‌های حقوقدانان مسلمان در عرصه حقوق مطبوعات، یافتن چارچوبی اسلامی برای تعامل با پدیده نشریات بوده است.

با توجه به تاخیر هزار و چند ساله پیدایش قالب نشریات نسبت به پیدایش فقه شیعه، یافتن آیات، احادیث و یا متون فقهی‌ای که صریحا به پدیده نشریات پرداخته باشند، غیرممکن است. اما با توجه به قدرت دین اسلام بر انطباق با مقتضیات زمان و وظیفه راویان حدیث و فقیهان شیعه بر استخراج حکم دین در مستحدثات زمانه، می‌توان مبانی فقهی فعالیت نشریات را از میان این منابع استخراج کرد.

یکی از نزدیک‌ترین مباحث فقهی به بحث نشریات، بحث

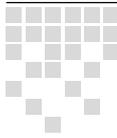
«کتاب‌های گمراه‌کننده» (کتب ضاله یا کتب ضلال) است.^۱ قرابت این بحث با فعالیت نشریات چنان است که شهید آیت الله سید مصطفی خمینی در این باره می‌گوید: «[از جمله مصادیق کتب ضلال،] روزنامه‌ها و جراید و نشریات رایج در عصر ما هستند که مشتمل بر امور آشکار غیر اخلاقی‌اند».^۲

۱- حکم فقهی

بنابر تقسیم‌بندی مرسوم مباحث فقهی، یکی از بخش‌های مهم متون فقهی، بررسی «مکاسب» است. در ذیل بحث «مکاسب»، بحثی به عنوان «مکاسب محرمه» وجود دارد که یکی از موارد آن «حفظ کتب ضلال» است.

به عقیده تمام فقها، نگهداری کتاب‌های ضلال، فی‌الجمله حرام است.^۳ حتی بعضی از فقیهان، در حالتی که شخص در مقام رد کردن یا پاسخگویی یا تقیه نباشد؛ علاوه بر نگهداری، قائل به حرمت رونویسی، خواندن و تدریس^۴ و وجوب از بین بردن آن شده‌اند.^۵ بعضی علاوه بر همه این‌ها، خرید و فروش کتاب‌های ضلال را نیز حرام دانسته‌اند.^۶

اما درباره وجوب از بین بردن کتاب‌های گمراه‌کننده نظرات مختلفی وجود دارد. گفته شده است که در صورت نابود کردن کتاب‌های گمراه‌کننده، الزامی به پرداخت غرامت وجود ندارد. مگر آنکه صاحب آن کتاب ادعا کند که به دلیلی شرعی - مثلا پاسخ‌گفتن به شبهات کتاب - آن را نگهداری می‌کرده است.^۷



کس مقررات خدا را بزرگ دارد، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است، و برای شما دام‌ها حلال شده است، مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود. پس، از پلیدی بت‌ها دوری کنید، و از گفتار باطل (قول زور) اجتناب ورزید.^{۲۱}

در تفسیر این آیه گفته شده است که در آن روزگار، مشرکان بر تقرب به بت‌ها و قربانی کردن به نام آن‌ها اصرار داشته‌اند که خداوند از این کار آن‌ها، در مورد خاص حج، نهی فرموده است.^{۲۲} همچنین گفته‌اند که گفتار باطل همان لبیک خاصی بوده است که مشرکان هنگام طواف کعبه سر می‌داده‌اند. البته روایاتی نیز وجود دارد که گفتار باطل را شامل غنا و دیگر گفتارهای لهوآمیز دانسته است.^{۲۳}

استدلال به این آیه را نیز کافی ندانسته‌اند. گفته شده است که دستور به اجتناب از گفتار باطل، به معنای اجتناب از به وجود آوردن گفتار باطل است نه فرار یا ناپدید کردن گفتار باطلی که قبلاً به وجود آمده است.^{۲۴} البته بعضی این احتمال را داده‌اند که اجتناب از گفتار باطل، شامل همه انواع آن شود.^{۲۵}

۳-۳- آیات دیگر

دلایل قرآنی دیگری نیز برای مسأله کتاب‌های گمراه‌کننده ذکر شده است که به دلیل قرار گرفتن در درجه کمتر اهمیت و پرهیز از اطاله کلام، تنها به ذکر خود آیات بسنده می‌شود:^{۲۶}

نهی از دروغ بستن بر خداوند

«و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد مگویند این حلال است و آن حرام، تا بر خدا دروغ بندید. زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند رستگار نمی‌شوند.»^{۲۷}

نکوهش تحریف کتاب منتسب به خداوند

«پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف‌شده‌ای] با دست‌های خود می‌نویسند؛ سپس می‌گویند: این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند. پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند.»^{۲۸}

نهی از دستیاری در گناه و تعدی

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی بی‌نشان و قربانی‌های گردن‌بنددار و راهیان بیت‌الحرام

ایشان راست.»^{۱۳}

۳. «و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.»^{۱۴}

۳-۱- نکوهش خریداری سخن بیهوده

کتاب‌های گمراه‌کننده را می‌توان از مصادیق سخن بیهوده دانست که خریداری آن نکوهش شده است.^{۱۵} در این باره خداوند متعال می‌فرماید: «و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده (لهو حدیث) را خریدارند تا [مردم را] بی‌هیچ [دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا را] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.»^{۱۶}

در تفسیر این آیه گفته شده است که «لهو» به معنای هر چیزی است که انسان را از کار مهمش باز دارد. بنابراین «سخن بیهوده» سخنی است که انسان را از حق منصرف می‌کند و به خود مشغول می‌سازد. مانند حکایات خرافی و داستان‌هایی که انسان را به فساد و فجور می‌کشاند و یا از قبیل سرگرمی به شعر و

شهید آیت الله سید مصطفی

خمینی: «از جمله مصادیق

کتاب ضلال، روزنامه‌ها و جراید

و نشریات رایج در عصر ما

هستند که مشتمل بر امور آشکار

غیراخلاقی‌اند.

موسیقی و مزار و سایر آلات لهو که همه این‌ها مصادیق «لهو الحدیث» هستند.^{۱۷}

گفته می‌شود که این آیه درباره نضر بن حارث، یکی از تاجران عرب، نازل شد که به ایران سفر می‌کرد و در آنجا افسانه‌های ایرانی را از آنان می‌شنید و برای قریش بازگو می‌کرد و به ایشان می‌گفت: «محمد داستان عاد و ثمود را برایتان می‌گوید و من داستان‌های رستم و اسفندیار و ... را برایتان می‌گویم.» قریشیان نیز به داستان‌های او گوش فرامی‌دادند و شنیدن آیات قرآن را رها می‌کردند.^{۱۸}

بر استدلال به این آیه ایرادهایی وارد شده است. چرا که علی‌الظاهر، خریداری سخن بیهوده کنایه از سخن گفتن به آن است. در این صورت، این مورد از موارد گمراه کردن از راه خدا می‌باشد و حرمت اضلال را بیان می‌کند.^{۱۹}

۳-۲- دستور به اجتناب از گفتار باطل

کتاب‌های گمراه‌کننده از مصادیق گفتار باطل نیز هستند.^{۲۰} چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید: «این است [آنچه مقرر شده] و هر

بعضی از فقیهان معتقدند که اگر کتابی شامل مطالب باطل باشد - هر چند که گمراه‌کننده هم نباشد - چون منفعت حلال خواسته شده‌ای ندارد، جزو اموال محسوب نمی‌شود اما دلیلی مبنی بر وجوب اتلاف آن نیز وجود ندارد.^۸

۲-۲- دلیل عقلی

گفته شده است که عقل سلیم حکم می‌کند انسان باید ماده فساد را ناپود کند. همین «وجوب قطع ماده فساد» حکم می‌کند که کتاب‌های گمراه‌کننده به دلیل ماده فساد بودن، ناپود شوند.^۹

به این دلیل اشکالات بسیاری گرفته‌اند. چرا که اگر عقل به ناپودی ماده فساد حکم کند، با همین استدلال، به قتل انسان کافر و حتی هر کسی که دیگران را از راه خدا دور کند، حکم می‌کند. ضمن اینکه عقل به جلوگیری از تلف شدن مال دیگری نیز حکم می‌کند. پس قدر متیقن حکم عقل آن است که به حرمت تولید و ایجاد فساد - و نه بیشتر - حکم کند. یعنی تنها تألیف کتاب‌های گمراه‌کننده را حرام بداند.^{۱۰}

۳-۲- دلایل قرآنی

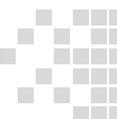
هیچ یک از آیات قرآن مجید، صریحاً به ممنوعیت نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده اشاره نکرده‌اند. اما می‌توان اصولی کلی را در این زمینه استخراج کرد.

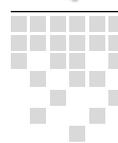
۳-۱- منع فساد در زمین

در قرآن مجید، انسان بارها از ایجاد فساد در زمین نهی شده است. این نهی گاهی به صراحت و گاهی به شکل ترساندن از عقوبت و فرجام، بیان گردیده است. با توجه به اینکه کتاب‌های گمراه‌کننده، موجب فساد هستند؛ می‌توان آنان را مشمول اطلاق این آیات دانست.^{۱۱} سه آیه از آیاتی که به صراحت بیشتری، ممنوعیت ایجاد فساد در زمین را بیان فرموده‌اند، به شرح ذیل هستند:

۱. «همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند؛ و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند؛ و در زمین به فساد می‌پردازند؛ آنانند که زیانکارانند.»^{۱۲}

۲. «و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای





را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می‌طلبند، نگه دارید و چون از احرام بیرون آمدید [می‌توانید] شکار کنید و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.»^{۲۹}

نهی از هم‌نشینی با منکران و تمسخرکنندگان آیات خداوند

«و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند. چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.»^{۳۰}

نهی از هم‌نشینی با تخطئه‌گران آیات خداوند

«چون بینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند، از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه [دیگر] با قوم ستمکار منشین.»^{۳۱}

۴- دلایل روایی

مهمترین دلایل روایی که جهت صدور حکم ممنوعیت نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده مورد استناد قرار گرفته‌اند، چهار

به عقیده تمام فقها، کتاب‌های ضلال، فی الجمله حرام است. حتی بعضی قائل به حرمت رونویسی، خواندن و تدریس و وجوب از بین بردن آن شده‌اند. برخی خرید و فروش کتاب‌های ضلال را نیز حرام دانسته‌اند.

مورد ذیل هستند:^{۳۲}

۴-۱- حرمت بیع منشا فساد

امام صادق (ع) فرمود: «و اما شکل‌های حرام خرید و فروش [عبارت است از] هر امری که در آن فساد وجود دارد از آنچه از آن نهی شده است به جهت خوردن یا آشامیدن یا به‌دست آوردن یا ازدواج یا مالکیت یا نگهداری یا بخشش یا عاریه گرفتن یا

چیزی که در آن نوعی از انواع فساد وجود دارد مانند فروش به ربا یا فروش مردار یا خون یا گوشت خوک یا گوشت درندگان یا پرندگان یا پوست آن‌ها یا شراب یا چیزی که در آن از انواع نجس چیزی وجود دارد؛ پس همه این‌ها حرام است و حرام شده است چرا که در تمام آن نهی شده است از خوردن و آشامیدن و پوشیدن و دارایی و نگهداری و تلاش در آن. پس هر تلاشی در آن حرام است. و مانند آن است فروش هر چیزی که وسیله لهو باشد و هر چیزی که از آن نهی شده باشد به دلیل نزدیکی به غیر خداوند و یا تقویت کفر و شرک از انواع گناهان و بایی که به واسطه آن حق وهن شود، حرام است و فروش و خرید و نگهداری و دارایی و بخشش و عاریه گرفتن و هر گونه تلاش در آن حرام شده است مگر آنکه ضرورت آن را ایجاب کند.»^{۳۳}

بنابراین هرگونه فعالیت شامل فروش، خرید، نگهداری، بخشش، عاریه گرفتن و ... در موارد ذیل حرام است و از آن نهی شده است:

۱. کاری که مستقیماً در آن فساد وجود دارد
۲. کاری که به شکل غیر مستقیم در آن فساد وجود دارد
۳. هر چیزی که وسیله انجام کار باطل (لهو) باشد
۴. هر چیزی که باعث نزدیکی به غیر خداوند شود
۵. هر چیزی که باعث تقویت کفر و شرک و انواع گناهان شود

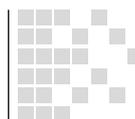
۶. هر چیزی که از طریق آن، حق مورد وهن قرار گیرد

۴-۲- حرمت صنعت منشا فساد

امام صادق (ع) فرمود: «همانا خداوند صنعتی را که همه آن حرام است، حرام نمود. [صنعتی] که تنها از آن فساد برمی‌خیزد. مانند آلات و سازهای موسیقی و شطرنج و هر چه وسیله ارتکاب لهو است و صلیب‌ها و بت‌ها و آنچه شبیه آن است مانند نوشیدنی‌های حرام و آنچه مانند آن است و در آن تنها فساد است و نه در آن و نه از آن، هیچ چیزی از انواع صلاح وجود ندارد. پس آموزش و آموختن و کار با آن و دریافت اجرت به خاطر آن و هر تلاشی از انواع حرکات در آن، همه این‌ها حرام است.»^{۳۴}

این عبارت، قسمت دیگری از حدیث مفصل قبلی است که به شکل مصداقی‌تر به تبیین کارهای حرام پرداخته است. در این بخش از حدیث، در مورد صنعت‌هایی که تنها کاربرد حرام و فساد آمیز دارند و هیچ کاربرد حلال و صحیحی پیدا نکرده‌اند، کارهای ذیل حرام اعلام شده است:

۱. آموزش دادن
 ۲. یاد گرفتن
 ۳. کار با آن
 ۴. دریافت اجرت به خاطر آن
 ۵. هرگونه تلاش در آن زمینه
- دیده می‌شود که در مورد چنین صنعتی، نه تنها فعالیت‌های مالی بلکه دیگر جوانب نیز حرام اعلام شده است.



کاشف رای معصوم (ع) است.

البته عده‌ای از فقها، استفاده از این اجماع را، به عنوان دلیل صحت حکم، درست ندانسته‌اند.^{۴۶}

۶- مصداق‌ها

درباره واژه «گمراه‌کننده» (ضلال)، معانی مختلفی گفته شده که به شرح ذیل است:

۱. آنچه خود باطل است^{۴۷}
۲. آنچه شامل عقاید و آرای باطل است^{۴۸}
۳. مقابل هدایت، آنچه موجب گمراهی شود^{۴۹}
۴. آنچه به منظور اغوا و گمراه‌سازی به وجود آمده و موجب گمراهی می‌شود^{۵۰}
۵. آنچه که براساس دروغ و باطل - چه در اصول و چه در موضوعات فرعی و احکام - به وجود آمده باشد^{۵۱}
۶. آنچه مخالف حق^{۵۲} و عقاید مسلمانان^{۵۳} است
۷. آنچه که غایت عقلانی نداشته باشد (حتی آن‌هایی که تنها برای بهبودی خلق شده‌اند)^{۵۴}

اما درباره مصداق‌های حکم «کتاب‌های گمراه‌کننده» هم نظرات مختلفی وجود دارد. اکثر فقها تنها قالب «کتاب» را مصداق این حکم دانسته‌اند. یعنی در بیان مسأله، تنها به قالب کتاب اشاره کرده‌اند. در مورد فقهای متقدم، این نکته ممکن است به دلیل عدم وجود قالب‌های دیگر مانند فیلم و نوار موسیقی در دوره حیات آنان بوده باشد. اما در میان فقهای متأخر و معاصر، عده‌ای در شرح کتاب‌های فقهای متأخر، هیچ اشاره‌ای به دیگر قالب‌ها نکرده‌اند و مشخص نیست که از نظر آنان، دیگر قالب‌ها نیز در ذیل «کتاب‌های گمراه‌کننده» قرار می‌گیرند یا نه.^{۵۵}

اما گروهی دیگر «نشریات» را نیز مشمول این حکم دانسته‌اند.^{۵۶} گروه سومی نیز هستند که هر چیزی را باعث گمراه شدن شود، در دایره این حکم گنجانده‌اند. از نظر اینان، حتی فیلم‌ها و نوارهای موسیقی و ... نیز در این محدوده جا می‌گیرند.^{۵۷}

۷- نگاه حکومتی

همانگونه که نشان داده شد از نظر عده‌ای از فقهای متأخر، نشریات نیز در ذیل عنوان کلی «کتاب‌های گمراه‌کننده» قرار می‌گیرند و این عنوان، تنها به قالب کتاب اختصاص ندارد. اما سؤال اصلی اینجاست که ممنوعیت‌ها

نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده اشکال شده است. چرا که با توجه به ظهور ابتدای حدیث، جمله پایانی آن کنایه یا ارشادی است به راوی حدیث تا طالع بینی و قضاوت بر اساس آن را، رها کند. نه اینکه هر کتاب گمراه‌کننده‌ای را باید آتش زد و سوزاند.^{۵۸}

۵- دلیل اجماعی

شیخ انصاری و بسیاری دیگر از فقها، در باب حرمت نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده ادعای اجماع کرده‌اند.^{۵۹}

تنها فقیه‌ی که درباره این حکم توقف کرده است، محدث بحرانی، نویسنده کتاب «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة» است. او معتقد است که درباره حرمت

شیخ انصاری و بسیاری دیگر از فقها، در باب حرمت نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده ادعای اجماع کرده‌اند. تنها فقیه‌ی متوقف در این حکم، محدث بحرانی، نویسنده کتاب «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة» است.

اکثر فقها تنها قالب «کتاب» را مصداق حکم «کتاب‌های گمراه‌کننده» دانسته‌اند. اما گروهی دیگر «نشریات» را نیز مشمول این حکم دانسته‌اند. گروه سومی نیز هستند که هر چیزی را باعث گمراه شدن شود، در دایره این حکم گنجانده‌اند.

نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده، نص خاصی وجود ندارد و از نظر وی، دلایل دیگران برای اثبات حرمت، نمی‌تواند موجب صدور یک حکم شرعی شود.^{۶۰}

البته درباره نظر وی این احتمال داده شده است که ایشان با اختصاص حکم به صرف کتاب موافق نیست و قائل به کلیت آن است.^{۶۱} و عده‌ای نیز، کتاب ایشان را به خاطر بعضی نسبت‌ها که در ذیل همین بحث به دیگر فقها داده است،^{۶۲} از مصادیق «کتاب‌های گمراه‌کننده» ای دانسته‌اند که نابود کردن آن‌ها واجب است!^{۶۳}

به هر حال، اجماع فقهای شیعه بر این حکم و عدم اختلاف آنان یکی از دلایل صحت این حکم است چرا که این اجماع،

عده‌ای استناد به این حدیث را کافی ندانسته‌اند. گفته شده است که این حدیث تنها درباره صنعت است و از آن یک ملاک کلی که شامل غیر صنعت نیز بشود، استخراج نمی‌شود. و علت ممنوعیت، منشا فساد بودن است نه حفظ مصنوع یا موجودی که منشا فساد است.^{۶۴}

۴-۳- گناه بیان سخن گمراه‌کننده

امام صادق (ع) فرمود: «مرد به سخن حقی که به آن اتخاذ می‌شود، سخنی نمی‌گوید مگر آنکه به او مانند اجر کسی که به آن اتخاذ کند، تعلق گیرد. و به سخن گمراه‌کننده‌ای که به آن اتخاذ می‌شود، سخنی نمی‌گوید مگر آنکه به او مانند گناه کسی که به آن اتخاذ کند، تعلق گیرد.»^{۶۵}

بنابراین هر کس حرفی بزند که دیگران به آن حرف عمل کنند، عین گناه یا ثواب مرتکب برای گوینده سخن منظور خواهد شد. در واقع از دیدگاه اخروی، ارزش سخن فرد و عمل دیگری به آن سخن، یکی دانسته شده است.

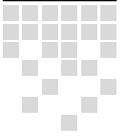
البته باید توجه داشت که این حدیث نمی‌تواند مبنای کیفر یکسان گوینده و مرتکب توسط حاکم شرع باشد. بلکه تفسیر مضیق حدیث ایجاب می‌کند که تنها به پاداش اخروی محدود دانسته شود.

۴-۴- امر به آتش زدن کتاب گمراه‌کننده

عبدالملک بن اعین می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم: من به علم [نجوم] مبتلا شده‌ام. پس هرگاه کاری دارم به طالع نگاه می‌کنم و اگر طالع شر باشد، می‌نشینم و به دنبال آن نمی‌روم؛ و اگر طالع را خیر ببینم، به دنبال آن کار می‌روم.» به من فرمود: «[بر مبنای آن] قضاوت می‌کنی؟» عرض کردم: «بله!» فرمود: «کتاب‌هایت را آتش بز!»^{۶۶}

از این روایت چنین استفاده شده است که دستور - و نه توصیه - معصوم (ع) به آتش زدن کتاب‌ها برای رهایی از قضاوت بر مبنای علم نجوم بوده است و اگر نگهداری کتاب‌های گمراه‌کننده مفسده‌ای نداشته باشد، حرام نیست.^{۶۷} اما ایراد این است که مقدمه حرام اگر علت تامه آن نباشد، حرام نیست. و در این روایت نیز، دستور به آتش زدن کتاب‌ها به دلیل گمراه‌کننده بودن آن‌ها نبوده است و الا معصوم (ع) درباره قضاوت کردن یا نکردن بر مبنای آن کتاب‌ها، نمی‌پرسیدند. ضمن اینکه اگر کتابی گمراه‌کننده باشد - حتی اگر نگهدارنده آن را گمراه نکند - نگهداری آن کتاب حرام است.^{۶۸}

در استناد به این حدیث جهت حرمت



و محدودیت‌های فقهی اندیشیده شده در باب نشریات گمراه‌کننده، چه ضمانت اجرایی دارد؟ از نگاه فقهی، مهمترین ضمانت اجرایی این حکم، کیفر اخروی ارتکاب آن است. ضمن اینکه قاضی این اجازة را دارد که با استناد به قاعده کلی «التعزیر لکل فعل محرم»^{۵۸}، مرتکب را مجازات نماید.

اما با توجه به تشکیل حکومت اسلامی در ایران و محدودیت عناوین تعزیری به موارد مصرح در قانون، آیا قانون‌گذار باید این حکم را به شکل قانون نیز درآورد تا ضمانت اجرای قانونی نیز پیدا کند؟

در ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی ایران و هنگام بررسی نهایی قانون اساسی، چنین قانون‌گذاری در باب کتب ضلال و بالخصوص نشریات و مطبوعات با عبارت «آنچه موجب گمراهی مردم باشد»^{۵۹}، در پیش‌نویس گروه بررسی اصل ۲۴ مطرح گردید^{۶۰} اما در همان جلسه، به دلیل کلی و مبهم بودن، مورد اعتراض برخی اعضا قرار گرفت^{۶۱} و به دلیل ایرادات بسیار وارد بر پیش‌نویس مذکور، تصویب آن به جلسه دیگری موکول گشت.

در جلسه بعد، علی‌رغم حذف عبارت مذکور از پیش‌نویس اصل، به درخواست تعداد زیادی از اعضای مجلس، عبارت مذکور نه تنها مجدداً به پیش‌نویس اصل اضافه شد بلکه صریحاً ترکیب «کتب ضلال» مورد استفاده قرار گرفت^{۶۲} و حتی در معنای اعم - یعنی هر چیز گمراه‌کننده مانند نوار، فیلم و ... - دانسته شد.^{۶۳} اما این پیش‌نویس نیز رای موافق لازم را برای تصویب کسب نکرد.

نهایتاً در سومین جلسه بررسی این اصل، پیش‌نویس جدیدی با حذف عبارت «کتب ضلال» ارایه گردید.^{۶۴} اما علی‌رغم پیشنهاد افزودن مجدد عبارت «کتب ضلال» یا مفهوم آن^{۶۵}، این اصل بدون هیچ اشاره‌ای به مفهوم کتب ضلال، به تصویب نهایی رسید.

مهمترین موافق عدم اشاره به مسأله فقهی کتب ضلال، شهید آیت الله دکتر بهشتی بود. ایشان در این باره می‌گویند: «نظامی که بخواهد بر ایمان قلبی مردم تکیه داشته باشد بی‌شک باید برای حفظ و حراست این ایمان خیلی اهمیت قائل باشد. تحریم خرید و فروش و نشر کتب ضلال زیر بنایش همین است که اولاً مکتب برای ایمان مردم در ساختن زندگی سعادت‌مند برای فرد فردشان، نقش بنیادی می‌بیند و ثانیاً وقتی نظام سیاسی و اجتماعی هم بر ایمان متکی است، خود به

خود اگر او متزلزل بشود، نظام متزلزل می‌شود. منتها آنچه مهم است این است که ما ببینیم که در چه شرایط زمانی زندگی می‌کنیم.

در یک شرایطی باید خود مکلف را به عنوان همان تکلیف ایمانی وادار کرد که از خرید و فروش و نشر و استفاده از کتب ضلال - اگر اهلش نیست - خودداری کند. این همان حکمی است که از قدیم تا حالا بوده و حالا هم هست. اما آیا حکومت به عنوان جلوگیری از منکر، اعمال قهر می‌تواند بکند یا نه؟ [...] حرف من این است که در شرایطی که ما هستیم، اعمال قهر برای جلوگیری از نشریاتی که مبارزه فکری با اسلامی می‌کنند، سودمند نیست. بر حسب تجربه عینی و بررسی شده‌ای که ما داریم؛ نه تنها سودمند نیست بلکه جلوگیری با اعمال قهر از نشر و

شهید بهشتی در جلسه

خبرگان قانون اساسی: «حرف

من این است که در شرایطی

که ما هستیم، اعمال قهر برای

جلوگیری از نشریاتی که مبارزه

فکری با اسلامی می‌کنند، سودمند

نیست. بر حسب تجربه عینی و

بررسی شده‌ای که ما داریم؛ نه تنها

سودمند نیست بلکه جلوگیری با

اعمال قهر از نشر و تهیه نشریات،

مضر به اسلام هم واقع شده است.»

به صراحت می‌توان گفت در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران، در

باب کتب ضلال، قانون‌گذاری نشده

است.

تهیه نشریات، مضر به اسلام هم واقع شده است.

[...] همان قدرت تکلیفی را بگویم و

اعمال قهر قانونی نکنیم و بگذاریم با آن

نفوذی که همان رساله عملیه در بین مردم

دارد و بسیاری از مردم متدین این کتابها

را چاپ و پخش توزیع می‌کنند^{۶۶}، چون به

احکام الهی متعهدند. باید آن راه را دنبال کنیم

زیرا آن راه مؤثرتر خواهد بود.»

ایشان ضمن استثنا کردن مواردی چون

اهانت و تحریک و توطئه علیه استقلال کشور،

در موارد «مسموم کردن افکار از نظر مذهبی»،

حکم تکلیفی و پیش‌گیری‌های تربیتی را

نسبت به اعمال قهر، مؤثرتر می‌دانند.^{۶۷}

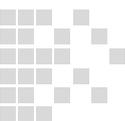
بنابراین به صراحت می‌توان گفت در

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در باب

کتب ضلال، قانون‌گذاری نشده است.

منابع

- ۱- ...، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۳ ج)، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، تهران، چاپ اول: ۱۳۶۴.
 - ۲) عمیقی، ابراهیم، جرم مطبوعاتی، کانون اندیشه جوان، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۳.
 - ۳) فخار طوسی، جواد، امام خمینی و رسانه‌های گروهی: مبانی فقهی و حقوقی، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (س)، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۱.
 - ۴) قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۴.
 - ۵) پایگاه اینترنتی «پارس قرآن»
<http://www.parsquran.com/>
 - ۶) پایگاه اینترنتی «صفحه القرآن الکریم»
• تفسیر القرآن > مجمع البیان فی تفسیر القرآن
<http://www.holyquran.net/tafseer/majma/index.html>
 - ۷) پایگاه اینترنتی «مرکز اطلاع‌رسانی غدیر»
• قرآن > ترجمه تفسیر المیزان
<http://www.ghadeer.org/qoran/almizan/almizan.html>
 - ۸) نرم افزار جامع فقه اهل بیت (ع) کتابخانه بزرگ فقه - مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
 - ۹) نرم افزار نور الفقاهه - ویرایش سوم فرهنگ موضوعی فقه اسلامی - مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: فخار طوسی، جواد، امام خمینی و رسانه‌های گروهی، صص ۲۹ - ۵۵ همچنین: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی.
 - ۲- «ومنها: الصحف والجرائد، والمنشورات الراجحة فی عصرنا، المشتملة علی الفواحش» (خمینی، مصطفی، مستند تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۱۴)
 - ۳- «السبابة حفظ کتب الضلال حرام فی الجملة بلا خلاف، کما فی التذکرة و عن المنتهی» (انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، چاپ جدید، ج ۱، ص ۳۳۲)
 - ۴- «یحرم حفظ کتب الضلال و نسخها لغیر النقض أو الحجة و تعلمها» (حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقها، چاپ جدید، ج ۲۱، ص ۴۴۱)
 - ۵- «(و حفظ کتب الضلال) عن التلف، أو عن ظهر القلب، (و نسخها و درسها) قراة، و مطالعة، و مذاکرة، (لغیر النقض) لها، (أو الحجة) علی أهلها بما اشتملت علیه مما یصلح دلیلاً لإثبات الحق، أو نقض الباطل لمن کان من أهلها، (أو التقیة) و بدون ذلك یجب إتلافها، إن لم یمكن إفراد مواضع الضلال، و إلا اقتصر علیها.» (الشهید الثانی، زین الدین الجعفی العاملی، الروضة البهیة فی الشرح للমেعة الدمشقیة، ج ۳، ص ۴۱۲)
 - ۶- «مسألة ۵۱: یحرم حفظ کتب الضلال و نسخها و قراةها و درسها و تدریسها إن لم یکن غرض صحیح فی ذلك کان یكون قاصداً لنقضها و إبطالها و کان أهلاً لذلك و مأموناً من الضلال [...] و لا یجوز لهم شراؤها و إمساکها و حفظها بل یجب علیهم إتلافها.» (خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۹۸)
 - ۷- «مقتضی ما ذکر وجوب إتلاف ما فیہ ضلال من



والكتب وعدم لزوم غرامة على من أثلغه من غيره، إلا إذا احتتمل الغرض المستثنى في حقه مع أدعائه» (مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ج ٤١، ص ٨٥)

٨- «ما كان ممن الكتب جامعاً للباطل في نفسه من دون أن يترتب عليه ضلالة لا يدخل تحت الأموال، فلا يقابل بالمساو لعدم المنفعة المحللة المقصودة فيه، مضافاً إلى آيتي «لهو الحديث» و«قول الزور»، أما وجوب إتلافها فلا دليل عليه» (انصاري، مرتضى بن محمد أمين، المكاسب، چاپ جديد، ج ١، ص ٧٣٢)

٩- «حكم العقل بوجوب قطع مادة الفساد» (انصاري، مرتضى بن محمد أمين، المكاسب، چاپ جديد، ج ١، ص ٣٣٢)

برای مطالعه بیشتر درباره دلیل «وجوب قطع ماده فساد» و همچنین دیگر دلایل اقامه شده یعنی «لزوم دفع ضرر محتمل»، «وجوب جهاد با اهل ضلال»، «حرمت رضایت به محتوای کتب ضاله» و «حرمت بدعت» ر.ک. به: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، صص ١٣٦ تا ١٦١.

١٠- «العقل لو حکم بذلك لحکم بوجوب قتل الکافر بل مطلق من یضل عن سبیل الله بعین ذلك الملائک و لحکم أيضا بوجوب حفظ مال الغير عن التلف لكن حکمه بذلك ممنوع و المتیقن من حکمه هو حکمه بقبح القاء الفساد و مصداقه فیما نحن فیہ تألیف کتب الضلال لا حفظ المؤلف منها أو عدم التعرض لإتلافها أو إثبات الید علیها» (ایروانی، حاشیة المكاسب، ج ١، ص ٥٢)

١١- انصاری، مرتضى بن محمد أمين، المكاسب، چاپ جدید، ج ١، ص ٢٣٣ و همچنین نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ٢٢، ص ٥٦

١٢- «الذین ینقضون عهد الله من بعد ميثاقه و یقطعون ما أمر الله به أن یوصل و یفسدون فی الأرض أولئک هم الخاسرون» (قرآن مجید، سوره بقره، آیه ٧٢)

١٣- «و الذین ینقضون عهد الله من بعد ميثاقه و یقطعون ما أمر الله به أن یوصل و یفسدون فی الأرض أولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار» (قرآن مجید، سوره رعد، آیه ٥٢)

١٤- «و لا تفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها و ادعوه خوفاً و طمعا إن رخصت الله قریب من المحسنین» (قرآن مجید، سوره اعراف، آیه ٦٥)

١٥- انصاری، مرتضى بن محمد أمين، المكاسب، چاپ جدید، ج ١، ص ٢٣٣ و همچنین نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ٢٢، ص ٥٦

١٦- «و من الناس من یشترى لهو الحديث لیضل عن سبیل الله بغير علم و یتخذها هزواً أولئک لهم عذاب مهین» (قرآن مجید، سوره لقمان، آیه ٦)

١٧- طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ١٦، ص ٣١٣

١٨- «نزل [...] فی النصر بن الحرث بن علقمة بن کسدة بن عبد الدار بن قصی بن کلاب کان یتجر فیخرج إلى فارس فیشتري أخبار الأعاجم و یحدث بها قریباً و یقول لهم إن محمداً یحدثکم بحديث عاد و تمود و أنا أدتکم بحديث رستم و إسفندیار و أخبار الأکاسرة فیستمعون حديثه و یترون استماع القرآن عن الکلبی» (طبرسی، فضل بن حسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن)

١٩- «الظاهر أن المراد من الاشتراء هو التعاطى و هو کنایة عن التحدث به و هذا داخل فی الإضلال

عن سبیل الله بسبب التحدث بهو الحديث و لا إشکال فی حرمة الإضلال و ذلك غیر ما نحن فیہ من أعداء، ما یوجب الإضلال» (ایروانی، حاشیة المكاسب، ج ١، ص ٢٥)

برای مطالعه بیشتر درباره نظر فقیهان، اشکالها و پاسخ های گفته شده درباره این آیه مبارک ر.ک. به: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، صص ٧٥ تا ٨٥

٢٠- انصاری، مرتضى بن محمد أمين، المكاسب، چاپ جدید، ج ١، ص ٢٣٣ و همچنین نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ٢٢، ص ٥٦

٢١- «ذلك و من یعظم حرمات الله فهو خیر له عند ربّه و أحلت لكم الأنعام إلا ما یتلی علیکم فأجتنبوا الرجس من الأوثان و اجتنبوا قول الزور» (قرآن مجید، سوره حج، آیه ٣٠)

٢٢- طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ١٤، ص ٥٦٦

٢٣- «قبیل هو تلبیة المشرکین لیبیک لا شریک لک إلا شریکاً هو لک تملکة و ما ملک و روى أصحابنا أنه یدخل فیہ الغناء و سائر الأقوال الملهیة و روى أیمن بن خریم عن رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) أنه قام خطیباً فقال أیها الناس عدلت شهادة الزور بالشکر بالله ثم قرأ «فاجتنبوا الرجس من الأوثان و اجتنبوا قول الزور» یرید أنه قد جمع فی الأوثان فی عبادة الوثن و شهادة الزور» (طبرسی، فضل بن حسین، مجمع البیان فی تفسیر القرآن)

٢٤- «الأمر بالاجتناب عن قول الزور کالأمر بالاجتناب عن الغیبة و البهتان و غیرهما من سائر المحرمات یراد به ترک إیجاده لا ترک الوجود منه بالفرار منه أو إعدامه مع أن صدق القول علی الكتابة غیر واضح لیكون کتابته و نسخه مندرجة تحت قول الزور مضافاً إلى أن أحداً لم یلتزم بوجوب إعدام الأكاذیب المحزرة أو بحرمة إثبات الید علیها» (ایروانی، حاشیة المكاسب، ج ١، ص ٥٢)

و همچنین «ان الظاهر من الأمر بالاجتناب عن الكذب و الباطل هو الأمر بالاجتناب عن ارتکابهما» (غایة الآمال فی شرح کتاب المكاسب، ج ١، ص ٨٠)

٢٥- «یمكن دعوى شمول الآیة و عمومها فإن مقتضى إطلاق الاجتناب عن القول الزور الاجتناب عنه بجمیع الأنحاء، الذى منها ما نحن فیہ فتأمل» (یزدی، حاشیة المكاسب، ج ١، ص ٢٣)

برای مطالعه بیشتر درباره نظر فقیهان، اشکالها و پاسخ های گفته شده درباره این آیه مبارک ر.ک. به: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، صص ٨٦ تا ٩٣

٢٦- برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، صص ٩٣ تا ١٠٧

٢٧- «و لا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون» (قرآن مجید، سوره نحل، آیه ١١٦)

٢٨- «فویل للذین یتکتبون الکتاب بايديهم ثم یقولون هذا من عند الله لیشتروا به ثمناً قليلاً فویل لهم مما کتبت ایدیهم وویل لهم مما یکسبون» (قرآن مجید، سوره بقره، آیه ٧٩)

٢٩- «یا ایها الذین آمنوا لا تحلوا شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدی ولا القلاید ولا آمین البیت الحرام یتبعون فضلاً من ربهم ورضواناً اذا حللتکم فاصطادوا ولا یجرمنکم شنان قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعندوا و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان

و اتقوا الله ان الله شدید العقاب» (قرآن مجید، سوره مائده، آیه ٢)

٣٠- «و قد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزأ بها فلا تعقدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلتم ان الله جامع المنافقین و الکافرين فی جهنم جمیعاً» (قرآن مجید، سوره نساء، آیه ١٤٠)

٣١- «و اذا رایت الذین یخوضون فی آیاتنا فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره واما ینسینک الشیطان فلا تعقد بعد الذکر مع القوم الظالمین» (قرآن مجید، سوره انعام، آیه ٦٨)

٣٢- دلایل روایی دیگری نیز برای این مسأله برشمرده شده است که مهم ترین آنها، امر به طرد تورات و انجیل تحریف شده می باشد. برای مطالعه بیشتر درباره دیگر احادیث مورد استناد ر.ک. به: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، صص ١٢٩ تا ١٣٤

٣٣- «و اما وجوه الحرام من البیع و الشراء، فکل أمر یکون فیہ الفساد مما هو منهی عنه من جهة أكله أو شربه أو کسبه أو نکاحه أو ملکة أو إمساکة أو هبته أو عاریته أو شئ، یکون فیہ وجه من وجوه الفساد نظیر البیع بالربا أو البیع للمینة أو الدم أو لحم الخنزیر أو لحوم السباع من صنوف سباع الوحش و الطیر أو جلودها أو الخمر أو شئ، من وجوه النجس فهذا کله حرام و محرم لأن ذلك کله منهی عن أكله و شربه و لبسه و ملکة و إمساکة و التقلید فیہ فجمیع تقلبه فی ذلك حرام و كذلك کل بیع ملهوه به و کل منهی عنه مما یتقرب به لغير الله أو یقوی به الکفر و الشوک من جمیع وجوه المعاصی أو باب یوهن به الحق فهو حرام محرم بیعه و شراؤه و إمساکة و ملکة و هبته و عاریته و جمیع التقلید فیہ إلا فی حال تدعو الضرورة فیہ إلى ذلك» (عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعة، ج ١٧، ص ٨٤)

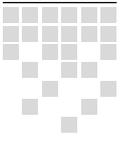
٣٤- «إنما حرم الله الصناعات التي هی حرام کلها التي یجی منها الفساد مخصاً نظیر الزیارت و المزامیر و الشطرنج و کل ملهوه به و الصلبان و الأضنام و ما أشبه ذلك من صناعات الأشریة الحرام و ما یکون منه و فیہ الفساد مخصاً و لا یکون منه و لا فیہ شئ، من وجوه الصلاح حراماً تعلیمه و تعلمه و العمل به و أخذ الأجر علیه و جمیع التقلید فیہ من جمیع وجوه الحركات کلها» (حرانی، علی، تحف العقول، ص ٣٣٦ و همچنین عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعة، ج ١٧، ص ٨٥)

٣٥- «مورد هذه الروایة هی الصنعة و لئن استفید منها المناط العام یتعدى منها إلى غیر الصنعة مما یشارکها فی علة المنع و هی منشأة الفساد لا إلى حفظ المصنوع أو الموجود مما هو منشأ للفساد نعم ان استفید منها میغوضیة الفساد بوجوده حتی کان إعدامه و قلع مادته مطلوباً فضلاً عن المحافظة علیه من التلف صح الاستدلال بها فی المقام» (ایروانی، حاشیة المكاسب، ج ١، ص ٢٥)

مطالعه بیشتر درباره این حدیث و اشکالها و پاسخ های مربوط به آن ر.ک. به: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، صص ١١١ تا ١٢٢

٣٦- «عن أحمد بن محمد بن محمد عن أبیه عن محمد بن أحمد عن أبی عبد الله البرقی عن روه عن أبان عن عبد الرحمن بن أبی عبد الله قال قال أبو عبد الله ع لا یتکلم الرجل بکلمة حق یؤخذ بها إلا کان له مثل أجر من أخذ بها و لا یتکلم بکلمة ضلال یؤخذ بها إلا کان علیه مثل وزر من أخذ بها»

فصلنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی گواه - شماره دوازدهم / بهار ٨٧



(عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۷۳) ۳۷- «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِهِ عَنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيُنٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنِّي قَدْ أَتَيْتُ بِهَذَا الْعِلْمِ فَأَرِيدُ الْحَاجَةَ فَإِذَا نَظَرْتُ إِلَى الطَّالِعِ وَرَأَيْتُ الطَّالِعَ الشَّرَّ جَلَسْتُ وَ لَمْ أَذْهَبْ فِيهَا وَإِذَا رَأَيْتُ طَالِعَ الْخَيْرِ ذَهَبْتُ فِي الْحَاجَةِ فَقَالَ لِي تَقْضَى قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَحْرَقْ كِتَابَكَ» (عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۷۰)

۳۸- «بناءً على أن الأمر للوجوب دون الإرشاد للخالص من الابتلا. بالحكم بالذجوم، و مقتضى الاستفصال في هذه الرواية؛ أنه إذا لم يترتب على إبقاء كتب الضلال مفسدة لم يحرم» (انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، چاپ جدید، ج ۱، ص ۲۳۴)

۳۹- «لكن مقدمة الحرام ليست بحرام إذا لم تكن علة تامة له كما في المقام ولئن سلم فليس الأمر بالإحراق في الزوایة بعنوان حرمة حفظ كتب الضلال و إلا لم يفصل بين القضاء و عدمها فإن مناط حرمة الحفظ ليس هو ترتب ضلالة نفسه عليه بل كون الكتاب كتاب ضلال تمام الموضوع في هذا الحكم و إن لم يضل الحافظ» (ایروانی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۵)

۴۰- «لا يورث المطلوب بعد ظهور الصدر في أن الدليل كفاية أو إرشاد إلى ترك العمل و القضاء، بما في كتبه» (خمينی، مصطفی، مستند تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۴۱۲)

برای مطالعه بیشتر درباره این حدیث و اشکالها و پاسخهای فقیهان، ر.ک. به: قانع، احمد علی، فقه و پیام گمراهی، صص ۱۲۲ تا ۱۲۹.

۴۱- انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، چاپ جدید، ج ۱، ص ۲۳۳

و همچنین: مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۴، ص ۱۵۷

و همچنین: حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، چاپ جدید، ج ۱۲، ص ۲۰۴.

۴۲- «و عندی فی الحكم من أصله توقف، لعدم النص، و التحريم و الوجوب و نحوهما احکام شرعیة، یتوقف القول بها علی الدلیل الشرعی، و مجرد هذه التعليلات الشائعة فی كلامهم، لا تصلح عندی لتأسيس الأحكام الشرعية» (بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام فی احکام العترة الطاهرة، ج ۱۸، ص ۱۴۱)

۴۳- «أمكن أن يحمل كلامه على إنكار الخصوصية كما ذكرنا فلا ينافي كونه داخلا في العنوان العام» (یزدی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۳)

۴۴- بعضی فقها کلام وی را اسائه ادب نسبت به دیگران دانسته‌اند. ر.ک. به: نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲، ص ۵۷ و یزدی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۳

۴۵- «و من الضلال المحض الذي يجب إتلافه على مذهب الشهيد الثاني كلام صاحب «الحدائق» في المسألة في آخر عبارته حيث افترى على أصحابنا و أساطين مذهبنا بأنهم أتبعوا الشافعي في تدوين الاصول استحسانا و طول في ذلك غاية التطويل و ملا القرطاس من الأباطيل» (حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۱۲، ص ۲۰۹)

۴۶- ر.ک. به: ارشاد الطلاب الی التعليق علی المکاسب، ج ۱، ص ۲۴۱ / مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۵۷.

۴۷- «فالمراد من كتب الضلال إما مطلق ما يكون

باطلا في نفسه مع الغض عما يترتب عليه من الضلال و الإضلال» (لاری، التعليقة علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۲۷)

۴۸- «المقصود بكتب الضلال ما يشتمل على العقائد والآراء الباطلة سواء ما كانت مخالفة للدين أو المذهب» (سیستانی، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۱۶)

۴۹- «فالمراد حينئذ من الكتب كل كتاب ضلال أي غير رشاد» (نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲، ص ۹۵)

و همچنین: «و إما مطلق ما وضع لحصول الضلال، أي: ما من شأنها أن تضل» (لاری، التعليقة علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۲۷)

۵۰- «يحتتمل أن يكون المراد به كل كتاب وضع لغرض الإضلال و لغاية إغواء العوام» (ایروانی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۵)

۵۱- «المراد من كتب الضلال يحتمل أن يكون كل كتاب وضع على الكذب و الباطل في الأصول كان أو في الفروع في الموضوعات كان أو في الأحكام» (ایروانی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۵)

۵۲- «و المراد بالضلال: ما خالف الحق واقعا كما يخالف الضروري، أو بحسب علم المكلف خاصة» (مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۴، ص ۱۵۸)

و همچنین: «و المراد بكتب الضلال ما كان خلافاً للحق في اصول الدين الإسلامية أو المذهبية الحقّة أو فروعه القطعية لأهل الحق وهم الشيعة» (بهجت، وسیلة النجاة، ص ۴۱۶)

۵۳- «فليس من الأغراض الصحيحة المجوزة لحفظها لغالب الناس من العوام الذين يخشى عليهم الضلال و الزلل، فاللازم على أمثالهم التجنب عن الكتب المشتملة على ما يخالف عقائد المسلمين خصوصا ما اشتمل منها على شبهات و مغالطات عجزوا عن حلها و دفعها» (خمينی، روح الله، تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۴۹۸)

۵۴- «كل كتاب لم تكن له غاية عقلانية فيشمل ما وضع لأجل التلهي به» (ایروانی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۵)

۵۵- نگاه کنید به: خمينی، روح الله، تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۸۹۴ / سیستانی، منهاج الصالحين، ج ۲، ص ۶۱ / منها: الصحف و الجرائد، و المنشورات الراجحة فی عصرنا» (خمينی، مصطفی، مستند تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۴۱۲)

۵۷- «يحرم بيع و شراء كتب الضلال و البدعة، و مجلات الخلاعة، و أفلامها، و أشربة الغنا، و الموسيقى، و ثمنه حرام أيضا» (فقه العولمة، ص ۲۶۴)

و همچنین: «لا يخفى أن مقتضى الوجوه المذكورة و جوب نفويت جميع ما يكون موجبا للضلال و لا خصوصية للكتب في ذلك فيحرم حفظ غيرها أيضا مما من شأنه الإضلال كالمرار و المقبرة و المدرسة و نحو ذلك فكان الأولى تعميم العنوان و لعل غرضهم المثال لكون الكتب من الأفراد الغالبة لهذا العنوان» (یزدی، حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۲۳)

و همچنین: «كلما كان من شأنه الضلال و الإضلال - كتابا كان أو صحيفة أو غير ذلك - يحرم بيعه و شراؤه و حفظه و تعليمه، و نسخه و مطالعته و قرائته إن لم يكن غرض صحيح في البين» (سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۱۶، ص ۹۲)

۵۸- بر اساس این قاعده فقهی، حکم شرع می تواند مرتکب هر فعل حرامی را تعزیر نماید.

۵۹- مَنظور از این عبارت، دقیقاً اشاره به مفهوم فقهی كتب ضلال بوده است. ر.ک. به سخنان آیت

الله طاهری اصفهانی در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۶۴۸

همچنین سخنان سبحانی در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۶۴۹

همچنین سخنان آیت الله حسین علی منتظری در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۶۵۰

۶۰- متن پیشنهادی گروه سه این بود: «بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه‌های گروهی در جهت خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادات سازنده آزاد است و آنچه مخالف عفت عمومی، توهین به شعائر دینی، فاش کردن اسرار نظامی، یا مخل به استقلال و تمامیت ارضی و امنیت عمومی کشور یا موجب گمراهی مردم باشد، ممنوع است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می‌کند.» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۶۴۵)

۶۱- ر.ک. به سخنان ابوالحسن بنی‌صدر در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، صص ۶۴۶ تا ۶۴۷

همچنین سخنان سبحانی در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۶۴۹

همچنین سخنان موسوی جزایری در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۶۵۲

همچنین سخنان حجت الاسلام شهید باهنر در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۶۵۲.

۶۲- متن پیشنهادی اصلاح شده گروه سه پس از بررسی در جلسه ۲۸، اینگونه بود: «نشریات و مطبوعات، فیلم و نمایش و نوار، برای بیان نشر مطالب و بیان عقاید آزاد است مگر در نشر مطالب خلاف عفت عمومی و اهانت به شعائر و مقدسات دین و افترا و تعرض به شرف و حیثیت اشخاص و نشر اکاذیب و ترویج فساد و کتب ضلال.» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۷۳۰)

۶۳- ر.ک. به سخنان آیت الله طاهری اصفهانی در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۷۳۰

۶۴- متن این پیش‌نویس از این قرار بود: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخالف استقلال یا عفت عمومی یا توهین به مقدسات و شعائر اسلامی و حیثیت اشخاص بوده باشد. حدود این امور و جرایم مطبوعاتی و کیفیت رسیدگی و مجازات آنها را قانون معین می‌کند.» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۷۲۶)

۶۵- ر.ک. به سخنان آیت الله طاهری اصفهانی در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۷۲۷

۶۶- احتمالا «نمی‌کند» درست‌تر باشد.

۶۷- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۷۲۹.

البته این سخنان در همان جلسه مخالفانی نیز داشت. ر.ک. به سخنان آقایان کرمی، طاهری اصفهانی، مکارم شیرازی، موسوی جزایری در: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۷۲۹ و ۱۷۳۰.

